

مسائل رشد طبقه متوسط

در آستانه برنامه چهارم

آنچه که در این مقاله بعنوان مسائل رشد طبقه متوسط در ایران مورد بحث قرار میگیرد با توجه باین نکته اساسی است که برنامه چهارم نیز مانند هر برنامه پنجساله قسمتی از یک برنامه طویل‌المدت ۲۵ ساله خواهد بود . بعبارت دیگر هدف‌های برنامه چهارم را بایستی جزئی از هدف‌های طویل‌المدت کشور و گذرگاهی برای رسیدن به وضع اقتصادی و اجتماعی که میخواهیم پس از ۲۵ سال بدان برسیم دانست . تجزیه و تحلیل مسائلی که در آستانه برنامه چهارم وجود دارد با مقایسه با حدی از رفاه اقتصادی و اجتماعی که بایستی در ۲۵ سال آینده بدان برسیم عظمت کوششی را که لازم است در راه رسیدن به هدف مصروف کرد خاطر نشان میسازد و از همین طریق میتوان خط‌مشی‌های اساسی برنامه چهارم و برنامه‌های دیگر آینده را روشن ساخت .

بر اساس آخرین اطلاعات و ارقام موجود مربوط بساختمان اقتصادی و اجتماعی ایران اگر مجموع تولید ناخالص ملی و جمعیت فعال کشور را به سه گروه عمده کشاورزی و صنعت و خدمات طبقه‌بندی کنیم جدول زیر بدست میآید .

توزیع تولید ناخالص ملی	توزیع جمعیت فعال	شاخص تولید
بر حسب درصد	جمعیت فعال	بر حسب جمعیت فعال
	بر حسب درصد	
بخش کشاورزی	۱۹٪	۴۱
بخش صنایع	۴۲٪	۱/۹۱
بخش خدمات	۳۹٪	/۲۲

بر اساس نسبت‌های فوق‌الذکر اگر شاخص متوسط تولید سرانه را در بخش صنعت ۱۰۰ فرض نماییم درآمد سرانه شاغلین در بخشهای سه‌گانه اقتصادی بشرح زیر خواهد بود .

شامل بخش نفت - ساختمان و نیرو

شاخص تولید سرانه شاغلین بخشهای سه گانه اقتصادی

۱۰۰	بخش صنعت
۶۴	بخش خدمات
۲۲	بخش کشاورزی

جدول فوق از اختلاف بین سطح درآمد طبقات کشاورز با مقایسه با سایر طبقات از یکطرف و اختلاف بین شاغلین در بخش صنعت و خدمات از طرف دیگر نشانه يك عدم تعادل اساسی در ساختمان اجتماعی کشور میباشد. بدون تردید اختلاف درآمد بین طبقات شاغل در کشاورزی و صنعت و خدمات در تمام کشورهای مترقی دنیا وجود دارد موضوع مهم نسبت این اختلاف و نسبت جمعیتی است که در پائین ترین حد درآمد قرار دارند. هرچه فاصله مزبور بیشتر باشد و بهر میزان که جمعیت کم درآمد نسبتاً بزرگ باشد مسائل اجتماعی ناشی از عدم همگنی بین طبقات حادثتر خواهد بود. قبل از شروع دوره صنعتی کردن اجتماع ایران به نسبتی متجاوز از نود درصد بر پایه اقتصاد کشاورزی بود در جوار طبقه کشاورز طبقات بسیار کوچکی از قبیل صاحبان حرف تجار - ماموران ارشد کشوری و لشکری و روحانیون وجود داشتند. گرچه در آن زمان نیز تمایزات طبقاتی بصورت قدرت و نفوذ مالی و اجتماعی وجود داشت ولی چون اکثریت مطلق جمعیت را کشاورزان تشکیل میدادند يك نوع همگنی اجتماعی وجود داشت که به ثبات اجتماعی کشور کمک میکرد حتی با وجود اختلاف بین طبقات مختلف درآمد بلحاظ آنکه کالاهای مصرفی عمده مانند غذا و پوشاک و مسکن مانند امروز متنوع نبود و کالاهای مصرفی با دوام نظیر یخچال و تلویزیون و اتومبیل وجود نداشت تمایز بین طبقات تا این حد مشخص و چشم گیر نبود.

میتوان پیش بینی نمود که در آینده نسبتاً دور نیز بارشد بیشتر بخش صنایع و خدمات در کشور ما قشر عظیم طبقه کشاورز فقیر جای خود را به قشر روز افزون طبقه متوسط خواهد داد و تدریجاً ۸۰ تا ۹۰ درصد جامعه وارد این طبقه خواهد شد. در این حالت نیز کشور با مسائل اجتماعی مهمی مواجه نخواهد بود.

مشکل ترین دوران اجتماعی ایران دوران برزخ فعلی است که ایران میبایستی تدریجاً از يك کشور اکثراً کشاورزی به يك کشور اکثراً غیر کشاورزی تحول یابد.

از نظر اقتصادی این تحول بمعنای آنست که در عین حال که تولیدات کشاورزی افزایش مییابد قسمتی از نیروی انسانی شاغل در بخش کشاورزی به بخش صنایع و خدمات سوق داده شود. بنابراین بایستی توسعه بخش صنایع و خدمات بحدی باشد که نه تنها آن قسمت از نیروی انسانی که بر اثر رشد طبیعی جمعیت وارد بازار کار میشوند جذب نماید بلکه قدرت جذب نیروی انسانی را که از بخش کشاورزی آزاد میشود نیز داشته

باشد از نظر بنیادی و مسائل تشکیلاتی طی این دوران تحول بایستی تغییرات اساسی و هماهنگی در بنیادها و قوانین و تشکیلات بهمراه داشته باشد. بدون این تغییرات بنیادی رشد طبقه متوسط بکندی صورت خواهد گرفت و عدم تعادل اجتماعی تشدید خواهد گردید. بعضی از موارد مهم این تغییرات که مستقیماً با موضوع رشد اقتصادی و مالا رشد طبقه متوسط ارتباط دارد بدینقرار است:

الف - قوانین تجاری

رشد صنعتی کشورهای پیشرفته جهان قبل از هرچیز نتیجه پیشرفت‌های تکنولوژی بوده است و حتی در حال حاضر مسئله اساسی مورد رقابت بین کشورهای نظیر فرانسه - آمریکا - انگلستان - آلمان و ژاپن قرار گرفته است. این کشورها آنقدر که به سبقت گرفتن در تکنولوژی اهمیت میدهند به مسئله افزایش تولید ملی توجه ندارند زیرا معتقدند آینده اقتصاد و سیاست جهانی بر محور قدرت اقتصادی کشورهای خواهد چرخید که از نظر تکنولوژیک پیشرفته‌تر هستند. رقابتی که در حال حاضر بر سر دست یافتن به علوم فضائی - تکنیک هواپیماهای دور پرواز سوخت مایع و تلویزیون رنگی و غیره وجود دارد مبین این تلاش بزرگ برای بدست آوردن قدرت کنترل جهانی است. کشورهای نظیر ایران حتی اگر در این رقابت سهمی نداشته باشند و فقط به وارد کردن آخرین تکنیک‌های ساخته و پرداخته خارجی قناعت نمایند بایستی آمادگی لازم را برای استفاده از تکنولوژی جهان مترقی داشته باشند.

شرط اول توسعه و بهره برداری از تکنولوژی پیشرفته دارا بودن واحدهای تولیدی بمقیاس بزرگ است. ولی اگر بدلیل عدم وجود قوانینی که حافظ منافع سهامداران کوچک باشد شرکتهای سهامی بزرگ بوجود نیاید امکان داشتن واحدهای تولیدی بزرگ و بهره برداری از پیشرفتهای تکنولوژی نیز بعید خواهد بود. در عین حال چون فرصتی برای تجهیز و بهره برداری از پس‌اندازهای کوچک وجود ندارد مقادیر عمده‌ای از پس‌انداز بالقوه ملی اجباراً بجای سرمایه‌گذاری بمصرف کالاهای لوکس خواهد رسید و بروابستگی کشور به واردات از خارج خواهد افزود.

اگر شرایط مساعد سرمایه‌گذاری وجود داشته باشد ولی عملاً بعلت فقدان سیستم قانونی و تشکیلاتی لازم نتوان شرکت‌های سهامی بزرگ ملی تشکیل داد. لزوماً سرمایه‌های بزرگ خارجی جای آنرا پر خواهند نمود و هر نوع امکان رشد سرمایه داری داخلی از بین خواهد رفت. در نتیجه نمیتوان انتظار داشت که نتایج حاصله از رشد صنعتی کشور به پیشرفت متراید اقتصادی و رشد طبقه متوسط کمک نماید.

بنابراین مهمترین قدم اساسی در راه رشد سرمایه داری ملی و تقویت طبقه

متوسط ایجاد یک نظم قانونی جدید بمنظور حفظ منافع سهامداران شرکتهای مهمی و جایگزین کردن شرکتهای کوچک خانوادگی با شرکت های بزرگی است که در آن لزوماً مدیر شرکت و مالک سرمایه یکی نیست و معیار انتخاب مدیران تخصص و صلاحیت اداره است .

ب - قوانین و سازمانهای اداری

در سالهای اخیر برحسب ضرورت پیشرفتهائی در نظام اداری و تشکیلاتی کشور بوجود آمده است ولی باید اذعان نمود که این نظام هنوز تاحدی از سنتها و روحیههای دیرین فئودالی متأثر است در دوران فئودالی دیرین نظام اداری ایران دارای خصوصیات زیر بود .

- ۱- مأمور دولت درهرپست که بود نماینده اقتدار حکومتی بود .
- ۲- اقتدارات حکومتی و مالا تصمیمات دولتی در پایتخت متمرکز بود .
- ۳- درمجموعه وظایف مأمورین دولتی موضوع حفظ امنیت محور اصلی بود .

بدلائل فوق الذکر تنها نماینده دولت در روستاها و حتی شهرستانها مأمورین اخذ مالیات و ژاندارمری بودند و مردم دولت را از طریق آنها میشناختند ولی اکنون چندی است که درکشور ما نقش دولت بعنوان عامل ارشاد پیشرفت اقتصادی و اجتماعی شناخته شده و درحال تکامل است . طرح و اجرای برنامه های عمرانی در سطح ملی و حضور سپاهیان دانش و بهداشت و آبادانی در سطح روستا مبین یک انقلاب اساسی در نقش دولت درکشور ما است . ولی این انقلاب درتمام دستگاههای دولتی بطور یکسان درک نشده است هنوز غالب دستگاههای اداری کشور به مسئولیت های جدیدی که هدف های توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور برعهده آنها نهاده آگاهی ندارند . احتیاج بایجاد یک روحیه و فلسفه اداری جدید که موافق با پیشرفت صنعتی و رشد طبقه متوسط باشد بخوبی آشکار است زیرا بسیاری از مأمورین فعلی هنوز از نسلی هستند که بر مقتضیات زمان ، واقف نیستند و حتی قدرت و جرأت درک آنرا ندارند . بعلاوه مقررات اداری و سیستم تشکیلاتی ما در بسیاری موارد بقدری خشک و جامد است که قابلیت انطباق تشکیلات با وظایف جدید از بین رفته است و لزوماً بایستی در آنها بنحوی تجدید نظر شود که با مقتضیات انقلاب اجتماعی که درجریان آن هستیم منطبق گردد . رویهمرفته نظم نوین تشکیلاتی و اداری ایران بایستی دارای خصوصیات زیر باشد :

۱ - مأمور دولت بایستی احساس کند و معتقد باشد که خدمتگذار جامعه و تسهیل کننده امر توسعه اقتصادی و اجتماعی است و نه نماینده خشک و غیر قابل انعطاف قانون و اقتدار حکومت .

ضرورت این تحول درطرز تلقی و فلسفه وظیفه دولت از آنجا ناشی میشود

که هدف کلیه قوانین و مقررات ایجاد نظم است که توسط آن اجتماع بتواند بهتر و سریعتر پیشرفت نماید. بنابراین قوانین و مقررات وسیله پیشرفت اقتصادی و اجتماعی میباشند و نه هدف و هر جا که بنا به تشخیص مامورین دولت قوانین و مقررات در اجرای این منظور نارسا هستند (چون مشکل است قانونگذار تمام موارد و حالات را پیش بینی نماید) بایستی مامور اختیار و جرات اتخاذ تصمیم مناسب بنفع يك اقدام مترقی را داشته باشد.

۲ - بایستی از طریق انتخاب افراد با صلاحیت و تفویض مسئولیت و اختیارات کافی امر تصمیم گیری حتی الامکان غیر متمرکز شود و شاغلین پستهای دولتی هر کدام در عرصه کار خود بصورت يك مدیر موسسه بازرگانی تولیدی مجبور باشند قضاوت منطقی خود را ملاک اتخاذ تصمیم قرار دهند و برای اتخاذ هر تصمیم کوچک مجبور نباشند با صرف مقادیر زیادی کاغذ و وقت از مقامات مرکز کسب تکلیف نمایند و عملاً مانع پیشرفت امور مردم گردند. بدین طریق فقط تصمیمات مهم و اساسی که با سیاست دولت مربوط میشود به مرکز احاله خواهد گردید.

ج - نظام تعلیم و تربیت

در نظام فعلی تعلیم و تربیت ما جائی برای رشد و پرورش ابتکار و استقلال فردی وجود ندارد در حالیکه رشد صنعتی کشور بدون داشتن مدیران صنعتی لایق و مبتکر و متکی بنفس غیر ممکن است. نظام فعلی تعلیماتی ما بازمانده سیستم مکتب خانه ها است و حتی فاقد حالت تحرك و استقلال جوئی مدارس مذهبی است که در آن طلاب علوم دینی در مسائل معقول با استاد خود به بحث و جدل میپردازند.

در مدارس و حتی دانشگاههای ما برای نوآموز مجال سؤال و بحث با معلم و استاد نیست. بهمین جهت معلمین و استادان ضرورت و فایدهتی در توسعه معلومات خود نمی بینند و شاگرد را جرات و یا اجازه آن نیست که در ورای القانات معلم که بایستی عیناً بحافظه بسپرد و بعداً مانند طوطی بازگو کند به تفکر و تحقیق بپردازد. از مدارس ابتدائی تا کلاسهای دانشگاهی، امکان چون و چرا کردن از محصلین گرفته شده است بدین ترتیب باشکال میتوان انتظار داشت که از دستگاه تعلیم و تربیت ما افرادی با نیروی اندیشه قوی و مبتکر و متکی بنفس بار آیند. جوانان ما در تمام مراحل تحصیل احتیاج به استقلال فکری و آزاد اندیشیدن دارند.

نیروی عظیم خلاقه نسل مدیران صنعتی آلمان - امریکا - انگلستان و فرانسه که امروز بار رهبری صنایع خود را در مقیاس جهانی بردوش دارند مرهون شرایط مساعدی است که در نظام تعلیم و تربیت این کشور ها برای نشو و نمای

اندیشه و ابتکار و استقلال فردی وجود دارد. وقتی در مدارس متوسطه و دانشگاه های فرانسه از فلسفه دکارت صحبت میشود منظور آن نیست که يك سری عبارات و مفاهیم فلسفی به محصل آموخته شود منظور بیشتر آنست که بیاموزد چگونه بایستی مسائل را تجزیه و تحلیل کرد و نتیجه گیری نمود.

بایستی گفت منظور از آموختن فلسفه پرورش و اشاعه طرز تفکر فلسفی است و نه انباشتن حافظه با مثنی عبارات و جملات بزرگ.

این طرز تلقی از هدف تعلیم و تربیت بایستی در تمام شئون نظام تعلیماتی ما رسوخ یابد تا بتوان در لوای آن مردان و زنانی تربیت نمود که پیشقراولان يك جامعه صنعتی و مدرن در ایران باشند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی